

مُحَمَّدُ الْكَافِرِينَ



طوبى لِمَنْ كَفَرَ بِرَبِّهِ
وَالْأَنْفُسُ يَوْمَئِذٍ بِمَا كَانَتْ تُفْعَلُ

نسخه ۱



بسم الله الرحمن الرحيم

مُؤَدِّ الدِّين^۱

گفتار هایی پیرامون آشنایی با منظومه فکری مقام معظم رهبری دام‌ظله

به انضمام روشی ساده برای بیانات پژوهی

نسخه ۱

مدرسه علمیه مقدسه قرآنی امام خمینی «ره» بوشهر

^۱ مدّ یعنی گسترش دادن و تقویت پیوسته - مُؤَدِّ الدِّین یعنی پشتیبان پایدار دین



فهرست

- گفتار اول: شخصیت شناسی ۴
- توجه به شخصیت شناسی آیت الله خامنه ای «دام ظلّه» ۴
- منظور از منظومه فکری چیست؟ ۶
- ویژگی های منظومه فکری مطلوب ۷
- الف) توضیح مبانی مستحکم ۸
- شخصیت فکری آیت الله خامنه ایدام ظلّه را بیش از هر چیز، باید تحت تأثیر
- قرآن دانست ۸
- محوریت «ایمان، توحید و ولایت» در اندیشه قرآنی ایشان واضح و جدی
- است. ۸
- تکیه جدی ایشان بر معارف و سیره سیاسی اهل بیت عصمت ۸
- ب) توصیف غایت و اهداف مطلوب ۹
- ج) نمایش قواعد حاکم بر اندیشه ۹
- د) ارتباط شفاف و هماهنگی مفاهیم با یکدیگر ۱۰
- و) توضیح نوآوری های مفهومی ۱۱
- گفتار دوم: چیستی، چرایی و چگونگی درک ساختار اندیشه رهبری ۱۴
- اقبال مبارک ۱۴
- وقتی از منظومه فکری رهبری حرف می زنیم، از چه چیزی حرف می زنیم؟ ۱۵
- چرا باید نظام فکری رهبری را بشناسیم؟ ۱۸
- ۱- شأن هدایت گری و ضرورت دستیابی به حجیت در امور: ۱۸



- ۲- رجوع به بنیانی مرصوص: ۱۹
- ۳- ضرورتی برآمده از شرایط تاریخی: ۲۰
- قدم اول ۲۲
- گفتار سوم : روشی ساده برای بیانات پژوهی و مطالبه آن ۲۳
- رویکرد موضوعی ۲۴
- مدل مواجهه با بیانات رهبر انقلاب ۲۵
- مطالعه‌ی اصل بیانات ۲۶
- پرهیز از رجوع به منابع غیرمعتبر ۲۷
- تحلیل محتوا ۲۷
- مفهوم‌شناسی و زمینه پژوهی ۲۸
- دسته‌بندی مطالب ۳۱
- مطالبه‌گری ۳۱



گفتار اول: شخصیت شناسی

به نظر می رسد تا کنون گفت و گوهایی از این جنس کمتر در محافل علمی ما شکل گرفته است و در مواجهه با موضوع بازشناسی اندیشه آیت الله خامنه ای، نوعاً برخوردی سطحی و گرفتار افراط و تفریط با این موضوع صورت می گیرد. از سویی با جمعی مواجه هستیم که در مواجهه با اندیشه ولی فقیه برخوردی سیاسی و فرمایشی داشته و خارج از دایره تنگ حقوقی و قانونی- آن هم تا جایی که مجبور باشند- هیچ گونه تحفظی بر نظریات ولی فقیه ندارند و علمیت و حجیتی برای آن قائل نیستند. و از سوی دیگر با جماعتی مواجهیم که با برخوردی اخبار وسطی و غیر مجموعه نگر با اندیشه ولی فقیه اگر بیشتر از گروه نخست به انسجام اجتماعی حول محور ولی فقیه لطمه نزنند کمتر از آنان نیز برای جامعه ولایی آسیب ندارند.

در این فرصت تلاش می شود به چند نکته کلیدی درباره منظومه فکری آیت الله خامنه ای بپردازیم.

توجه به شخصیت شناسی آیت الله خامنه ای «دام ظلّه»

پیش از هر چیز، باید بدانیم اندیشه چه کسی را مورد مطالعه قرار می دهیم. ما با شخصیت منحصر به فردی مواجه هستیم که در تاریخ شیعه بی نظیر است. بی نظیر نه صرفاً از این حیث که او سید علی خامنه ای «دام ظلّه» است؛ بلکه از این حیث که موقعیت هایی برای این شخصیت فراهم شده و او در آنها زیسته است، که برای هیچ کدام از علمای شیعه رخ نداده است.

شخصیتی که قریب سه دهه از عمر خود را علاوه بر علم آموزی، در کوران مبارزه با رژیم شاهنشاهی گذرانده و پس از آن نیز ۴ دهه از عمر خود را در



بالاترین سطح مدیریت کلان و راهبردی نظام اسلامی سپری کرده است. این سابقه طولانی مبارزاتی و مدیریتی در رأس یک نظام حکومتی-آن هم با مختصات عصر جدید و دولت های مدرن و پیچیدگی های دنیای کنونی- برای هیچ کدام از فقهای شیعه فراهم نشده است.

البته بوده اند شخصیت هایی همچون خواجه نصیرالدین طوسی و شیخ بهایی؛ اما هیچ کدام این ها اولاً دوران مبارزه سیاسی و درثانی حضور در رأس یک نظام سیاسی را تجربه نکرده اند. حضور قریب نیم قرنی آیت الله خامنه ای «دام ظلّه» در رأس نظام سیاسی جمهوری اسلامی، ایشان را در معرض دقیق ترین و متنوع ترین اطلاعات و گزارش ها در همه زمینه ها قرار داده است. این را بگذارید کنار ویژگی شخصی ایشان که عادت به ارتباطات گسترده با نخبگان هر حوزه و مشاوره گرفتن از بهترین کارشناسان هر موضوع است.

مروری بر بیانات و محتوای دیدارهای ایشان با اقشار و صنوف مختلف اجتماعی، نشان دهنده پشتوانه علمی و کارشناسی اندیشه ایشان در حوزه های تخصصی و نمایانگر و مؤید این ادعا است.

حال اگر این شکاف کارشناسی بر حوزه های مختلف اجتماعی رور را همزمان با قوه علمی این «فقیه متفکر مفسر رجالی تاریخدان» و در یک کلمه یک «اسلام شناس جامع الاطراف» در نظر بگیریم، این ادعای منحصر به فرد بودن بهتر فهم می شود.

جامعیت و اسلام شناس بودن این شخصیت نه توسط راقم این سطور، بلکه توسط امام خمینی (رحمه الله علیه) آن هم مدت ها پیش از انتخاب ایشان به



مقام ریاست جمهوری مورد تصریح قرار گرفته است، آنجا که آیت الله منتظری پس از رحلت آیت الله طالقانی^۱ و انتصاب از سوی امام خمینی^{قدس سره}، از امامت نماز جمعه تهران انصراف داده و امام، آیت الله خامنه ای^{دام ظلّه} را به این جایگاه منصوب کرده و در حکم انتصاب علاوه بر تصریح بر اسلام شناسی ایشان از لفظ «منصوب می باشید» به جای لفظ رایج «منصوب می کنم» استفاده می کنند^۲. و لازم به یادآوری نیست که تربیون نماز جمعه تهران - آن هم در ابتدای انقلابی که به نام دین و مذهب تشیع - که بناست مواضع این انقلاب دینی را در برابر مهمترین مسائل داخلی و خارجی تبیین کند جایگاهی که در نظر امام خمینی^{قدس سره} هر کسی لایق آن باشد.

منظور از منظومه فکری چیست؟

مطلب بعدی این است که باید بدانیم وقتی از منظومه فکری سخن می گوئیم، مراد ما دقیقاً چیست. ارکان یک منظومه فکری کدام است؟ منظومه فکری واجد کدام ویژگی هاست؟

آنچه از مفهوم منظومه فکری به ذهن نگارنده متبادر می شود، مجموعه ای منسجم و نظام مند از مفاهیم است که با هدفی خاص و در جهت پاسخگویی

^۲ بسم الله الرحمن الرحيم - خدمت جناب مستطاب سیدالاعلام و حجت الاسلام آقای حاج سید علی خامنه ای - دامت افاضاته - چون حضور جناب مستطاب حجت الاسلام و المسلمین آقای منتظری - دامت افاضاته - در حوزه مقدسه قم لازم بود و ایشان انصراف خودشان را از امامت جمعه تهران اعلام نمودند، جنابعالی که بحمدالله به حسن سابقه موصوف و در علم و عمل شایسته هستید به امامت جمعه تهران منصوب می باشید. از خداوند متعال، توفیق جنابعالی را در ارشاد و هدایت مردم خواستارم. والسلام علیکم و رحمه الله . ۲۴ دی ۱۳۵۸



به نیازهای مشخص با یکدیگر مرتبط شده باشند. هر مجموعه ای از محتوای در کنار هم قرار گرفته را نمی توان منظومه نامید.

وقتی سخن از منظومه به میان آید، لاجرم نمی توان «مبنا»یی برای آن متصور نشد، همانطور که «هدف و غایت» را.

همانگونه که هر نظام دارای اجزایی مشخص و مختص به خود است، منظومه فکری نیز باید دارای اجزای مفهومی مشخص و محدود باشد و بتواند تعاریف خود را از موضوعات و مفاهیم ارائه دهد. و نیز همان گونه که در هر نظام اجزا دارای ارتباطات مشخصی با یکدیگر هستند «نظم، ارتباط و ساختارمندی» نیز از ویژگی های بدیهی هر منظومه فکری هستند. همچنین است «انسجام و قاعده مندی» و حاکمیت «منطق» بر یک منظومه فکری. نمی توان از منظومه فکری سخن گفت و آن را تحلیل کرد اما عامل انسجام، هماهنگی و قواعد حاکم بر آن را توصیف و تحلیل نکرد.

بنابراین باید احتیاط کرد و دچار «تهور علمی» و «سطحی اندیشی» بیجا نشد. نباید تصور کرد که با تنظیم فهرستی از موضوعات و جایابی متون و مفاهیم در آن فهرست، به منظومه فکری آیت الله خامنه ای ^{دام ظلّه} دست پیدا کرده ایم.

ویژگی های منظومه فکری مطلوب

در ادامه برخی از مهمترین ویژگی هایی که لازمه هر مجموعه محتوایی مدعی توصیف منظومه فکری آیت الله خامنه ای است بیان می گردد:



الف) توضیح مبانی مستحکم

شخصیت فکری آیت الله خامنه ایدام‌ظله را بیش از هر چیز، باید تحت تأثیر قرآن دانست. تاریخچه مبارزاتی ایشان پیش از انقلاب اسلامی نشان می دهد که برنامه مبارزاتی ایشان، تربیت نیروی انسانی مؤمن انقلابی بر اساس آموزه های قرآن کریم بوده است. از تشکیل نخستین درست رسمی تفسیر در حوزه علمیه مشهد تا تشکیل جلسات تفسیر مسجد کرامت و سلسله درس های طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن در مسجد امام حسن (علیه السلام)، همگی گویای محوریت و جایگاه ویژه قرآن در اندیشه ایشان است.

محوریت «ایمان، توحید و ولایت» در اندیشه قرآنی ایشان واضح و جدی است. این مبانی توحیدی حتی به وضوح در روبنایی تدین اندیشه های ایشان یعنی مفاهیم سیاسی و اجتماعی و همه اعلام و نظرهای کارشناسی ایشان واضح و مبرهن است.

تکیه جدی ایشان بر معارف و سیره سیاسی اهل بیت عصمت و طهارات نیز رکن دیگر معارفی اندیشه آیت الله خامنه ای است که در تلاش جدی ایشان بر احیای نهج البلاغه در پیش و پس از انقلاب اسلامی و مطرح کردن نظریاتی همچون نظریه معروف «انسان ۲۵۰ ساله» تجلی یافته است.

تبیین و ترسیم این معارف در هر مجموعه ای که مدعی تبیین منظومه فکری آیت الله خامنه ای دام‌ظله است ضرورت دارد. نمایش تأثیر اندیشه توحیدی در مفاهیمی همچون استکبارستیزی و استقلال طلبی و یا نقش



سیره و سنت اهل بیت در تکوین مفاهیمی همچون مردم سالاری دینی و عدالت طلبی از این جمله اند.

ب) توصیف غایت و اهداف مطلوب

احیای «اسلام سیاسی-اجتماعی» در عرصه علمی و فرهنگی و «تمدن نوین اسلامی» در عرصه عمل اجتماعی، غایت مطلوبی است که بارها و بارها بوسیله آیت الله خامنه ای تصریح شده است. لذا بدون اتفاقات به این دو موضوع و نمایش نسبت تمامی موضوعات با این دوچشم انداز، نمی توان مدعی استخراج و تبیین منظومه فکری ایشان بود. همانگونه که در اندیشه های مارکسیستی در همه حوزه ها و در همه سطوح اعم از علم، فرهنگ، تاریخ، سیاست و اقتصاد می توان نسبت موضوعات را با آرمان جامعه بدون طبقه مشاهده کرد. یا همان گونه که در منظومه تفکر اقتصادی لیبرال سرمایه داری در همه موضوعات و تحلیل ها و تجویزها می توان نسبتی با آرمان بازار آزاد برقرار نمود.

ج) نمایش قواعد حاکم بر اندیشه

بر اندیشه آیت الله خامنه ای دام ظلّه قواعدی حاکم است که بر همه حوزه ها شمولیت دارد. این قاعده کلی و منطق جهان شمول در همه حوزه ها و نظریه های روبنایی بکار گرفته می شود و موجب زایش و بسط مفهومی می گردد. این ویژگی هر منظومه فکری جامع و پر قوت است. جهت تقریب به ذهن مجدداً ناچاریم از اندیشه مارکسیسم کمک بگیریم. قاعده کلی و منطق جهان شمول اندیشه مارکسیسم عبارت است از «منطق دیالکتیک» یعنی سه گانه ازلی و ابدی «تز، آنتی تز، سنتز». منطقی که در همه حوزه ها ملاک سنجش و صدق و کذب قرار می گیرد و کارآمد است. در تبیین عالم، در تاریخ، در



علم، در اقتصاد، در سیاست و حتی طبیعیات و اساساً در هر حوزه ای این منطق دیالکتیک است که به مثابه یک ماشین جادویی تمام عالم را تبیین می کن. اهمیت این منطق تا بدانجاست که اگر این منطق از اندیشه مارکسیسم گرفته شود قدرت تبیین ساده ترین پدیده های عالم از آن گرفته خواهد شد.

آیا در اندیشه اسلامی آیت الله خامنه ای^{دام ظلّه} نیز می توان چنین منطق جهان شمولی یافت؟ اگر پاسخ مثبت است آن منطق چیست؟

خود ایشان به این سؤال پاسخ داده اند. این قاعده کلی و مبنایی و جهان شمول عبارت است از «ایمان و اعتماد مطلق به خداوند عالم و سنت های الهی و نفی و بی اعتمادی مطلق به دشمنان خداوند و اولیایش» و در دو کلمه «تولی و تبری».

تولی و تبری به عنوان یک منطق کلیدی و کلی در همه حوزه های اندیشه ایشان جاری است. هیچ موضوع و اظهار نظر و نظریه ای از ایشان نمی توان یافت که با این منطق ارتباط واضحی نداشته باشد. بنابراین در پرداخت به منظومه فکری ایشان، ضروری است که این قاعده کلی و جهان شمول مورد توجه جدی قرار گیرد.

د) ارتباط شفاف و هماهنگی مفاهیم با یکدیگر

از ویژگی های ضروری هر مجموعه نظام مند، اصل هماهنگی و انسجام است. هرچه یک منظومه فکری از انسجام معنایی بیشتری در موضوعات مختلف برخوردار بوده و از تناقض و ابهام به دور باشد، نشان دهنده تکامل یافته بودن آن منظومه فکری است.



منظومه فکری لیبرال، چه آنجا که از دست نامرئی بازار سخن می گوید، چه آنجا که در تعلیم و تربیت از نظامات افراطی معلم محور انتقاد کرده و نظریات یادگیرنده محور را مطرح می کند، چه آنجا که از عدالت سخن می گوید؛ در همه جا نه تنها می توان ارتباط روشنی با مقوله «آزادی» آنگونه که لیبرال ها تبیین می کنند مشاهده نمود، بلکه متفکرین لیبرال تلاش کرده اند تناقض و ابهام میان حوزه های موضوعی فوق را به حداقل برسانند.

نمایش این انسجام و هماهنگی در اندیشه آیت الله خامنه ای دام ظلّه نیز از ضروریات و بایسته های پرداختن به منظومه فکری ایشان است. آن تبیین برترین تبیین از اندیشه ایشان است که بتواند ارتباط عدالت را با آزادی، آزادی را با استقلال، استقلال را با عزت ملی، همه این مقوله ها را با مردم سالاری و... آن هم در همه حوزه های سیاسی، اقتدای و فرهنگی و در طراحی کلیه نظام ها همچون نظام آموزش و پرورش، نظام علم و فناوری، نظام بهداشتی و درمانی، نظام بیمه و تأمین اجتماعی و سایر نظامات اجتماعی تبیین نماید.

و) توضیح نوآوری های مفهومی

از دیگر ویژگی های منظومه های فکری قوی و پیشرو، قدرت زایش مفهومی و توسعه معنایی است. اندیشه و علم بشر همواره در حال توسعه و پیچیده تر شدن است. تمدن ها و فرهنگ ها در عصر جدید به شدت با یکدیگر مرتبط و درگیر شده اند. رسانه و ارتباطات سرعت تغییرات فرهنگی را بسیار زیاد کرده است. چه بسا واژه ها و مفاهیمی که به سرعت خلق می شوند و انبوهی از اطلاعات را نمایندگی می کنند و چه بسیار واژه ها که می میرند یا دچار



تغییرات جدی معنایی می شوند. میزان توانمندی یک منظومه فکری در نوزایی مفهومی برای زنده ماندن آن اندیشه ضروری است.

واژه ها را از حیث نوآوری معنایی به سه دسته می توان تقسیم نمود: واژگان ابتدایی، واژگان بازتولیدی، واژگان تولیدی.

دسته نخست واژگانی هستند که ذاتاً دستخوش تغییرات جدی نشده و در بازه ای از زمان همان معنای اولیه خود را حفظ می کنند و صرفاً در ارتباطات ادبی و زبانی است که در کنار سایر مفاهیم می توانند معنای جدیدی را خلق کنند.

دسته دوم واژگانی هستند که در عین حفظ لفظ، معنای جدیدی پیدا کرده اند. واژگان «استکبار» و «بسیج» در گفتمان انقلاب اسلامی و «بصیرت» در گفتمان چندسال اخیر آیت الله خامنه ای دام‌ظله از این دسته اند.

اما دسته سوم واژگانی هستند که هم در لفظ و هم در معنا جدیدند، یعنی هیچ کدام از الفاظ موجود در گنجینه زبانی، ظرفیت انتقال آن مفهوم جدید را نداشته اند، فلذا خلق واژه ای جدید ضرورت پیدا کرده است. واژگانی همچون «تهاجم فرهنگی»، «جهاد اقتصادی»، «اقتصاد مقاومتی»، «عزت ملی» از این دسته اند.

در اندیشه آیت الله خامنه ای دام‌ظله بیش از هزار واژه تولیدی و بازتولیدی وجود دارد که نشان قدرت بالای این اندیشه در نوزایی مفهومی و ظرفیت بی نظیران در مواجهه با کلیه جریانات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است. در نتیجه، پرداختن به این توان بالای نوزایی مفهومی و چپستی و چگونگی آن از ضروریات بررسی این منظومه فکری است. این موضوع نشان می دهد که



این اندیشه از توان زیادی برای پاسخگویی به مسائل عینی و نیازهای روز
برخوردار است.

(محمد مهدی سالاری)



گفتار دوم: چیستی، چرایی و چگونگی درک ساختار اندیشه رهبری

درک یک «اضطرار»، «ولایت فقیه» همان ولایت رسول الله هست.

«ولایت فقیه یک چیزی است که خدای تبارک و تعالی درست کرده است. همان ولایت رسول الله است.»^۳

«از ولایت فقیه آن طوری که اسلام قرار داده است، به آن شرایطی که اسلام قرار داده است، هیچ کس ضرر نمی بیند. یعنی آن اوصافی که در ولیّ است، در فقیه است که به آن اوصاف خدا او را ولیّ امر قرار داده است و اسلام او را ولیّ امر قرار داده است با آن اوصاف نمی شود که یک پایش را کنار یک قدر غلط بگذارند. اگر یک کلمه دروغ بگویند، یک کلمه، یک قدم بر خلاف بگذارد آن ولایت را دیگر ندارد.»^۴

اقبالِ مبارک

یکی از رویدادهای مثبت فرهنگی و اجتماعی در سال های اخیر اقبالِ رو به گسترش نسبت به مطالعه، فهم و عملیاتی سازی اندیشه و مطالبات حضرت آیت الله العظمی خامنه ای دام ظلّه است. این موج اقبال چیزی فراتر از توجه متداولِ اقشار گوناگون به سخنان و مطالب مطرح شده از سوی رهبری انقلاب چه در زمان امام خمینی^۵ و حتی در سالیان دورتر رهبری آیت الله خامنه ای دام ظلّه است. توضیح اینکه اقشار گوناگون جامعه از سالیان شکل گیری نهضت مبارزه با رژیم پهلوی و سپس استقرار نظام جمهوری اسلامی همواره به بیانات و رهنمودهای رهبری انقلاب به عنوان چراغ هدایت و روشن

^۳ صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۳۰۸

^۴ صحیفه امام، ج ۱، ص ۴۶۴



کننده مسیر حرکت نظر داشته اما آنچه اخیراً در این زمینه مشاهده می شود نوعی رجوع به بیانات و اندیشه های رهبری از منظر فکری-معرفتی و با هدف کسب معارف اصیل اسلامی و انقلابی به خصوص از سوی نخبگان و فعالین انقلابی به صورت مبنایی و عمیق است. نگاهی به جلسات گوناگون در سطوح مختلف اعم از جلسات حوزوی و دانشگاهی، برنامه های تشکلی، تولیدات فرهنگی و رسانه ای اعم از کتاب ها و جزوات و...، رویدادهای فرهنگی و اجتماعی کوچک و بزرگ و... که در آنها به نوعی دغدغه مطالعه و فهم اندیشه رهبری وجود دارد مؤید این جریان اصیل است. از همین رو یکی از کلیدواژه هایی که اخیراً در فضای فکری و فرهنگی جامعه مورد تکرار و توجه واقع شده عبارت «منظومه(نظام) فکری آیت الله خامنه ای» است. بر همین اساس، در ادامه سعی می کنم در رابطه با چیستی منظومه فکری رهبری، ضرورت مطالعه و درک آن و نیز چگونگی حرکت در مسیر فهم این نظام اشاراتی داشته باشم.

وقتی از منظومه فکری رهبری حرف می زنیم، از چه چیزی

حرف می زنیم؟

اما به راستی منظور از منظومه یا نظام فکری رهبری چیست؟

واقعیت این است که در مقطع فعلی به این سؤال پاسخی یک خطی و مطلق نمی توان داد.

در اینجا از باب طرح بحثی مقدماتی برای کنکاش بیشتر و شکل گیری تضارب آراء سعی می کنم با اشاره به برخی نکات و ویژگی ها، کمی ابعاد



موضوع را روشن ساخته و فضایی را جهت مباحثات بیشتر و نیل به پاسخ‌هایی کامل‌تر ترسیم کنم:

۱- آنچه به عنوان قدر متیقن در بحث منظومه فکری رهبر انقلاب می‌توان گفت این است که نظام فکری آیت الله خامنه‌ای دام‌الله مجموعه‌ای منسجم و منظم (نظام وار) شامل مبانی معرفتی و اعتقادی، بینش و نگرشی مشخص برای اداره هستی و مسائل آن و رویکردها، راهبردها و برنامه‌هایی مشخص برای اداره فرد، جامعه و حکومت در جهت نیل به سعادت دنیوی و اخروی و دستیابی به اهداف و آرمان‌هاست.

۲- مبانی این نظام فکری همانا معارف ناب اسلامی و شیعی و با محوریت کلان نظریه «اسلام ناب محمدی(ص)» برآمده از «مکتب فکری و سیاسی امام خمینی قدس سره» است.

۳- روش حاکم بر این نظام فکری «اجتهاد برآمده از درک تحولات مکان-زمانه» و با اتکاء به میراث و سنت عظیم علمی حوزه‌های علمیه بوده، مبتنی بر «تفقه در دین به معنای عام کلمه» و در جهت سامان دادن به زیست دینی فرد و جمع انسانی در جهان امروز است. همچنین توجه به عنصر «بصیرت تاریخی» و زمان‌شناسی در این مجموعه جایگاهی رفیع و ممتاز دارد.

۴- گزاره‌ها و معارف منعکس در این منظومه فکری از نظامی منطقی در نسبت با یکدیگر برخوردار بوده و برخی نسبت به بعضی دیگر جنبه‌مبنایی و بنیادین دارند. به عنوان نمونه موضوع «استقلال» در اندیشه رهبری به نسبت موضوعی چون «اقتصاد مقاومتی» اعم بوده و یکی از مبانی طرح بحث اقتصاد مقاومتی از سوی ایشان است.



۵- منظومه فکری رهبری مجموعه ای است ناظر به «رهبری جامعه و امت اسلامی در مقام عینیت و عمل» است. «حاکمیت اسلام» با اتکاء «اراده، خواست و به میدان آمدن مردم» نقطه کانونی این اندیشه است.

۶- احیای عزت و قدرت مسلمین با در اختیار گرفتن عنصر قدرت، شکل دهی به مناسبات جامعه سازی اسلامی از این رهگذر و حل مسائل و نابسامانی های تاریخی انباشته شده، موضوعی مهم در این نظام است. این احیاء به صورت مشخص ذیل نظریه ای کلان تحت عنوان حلقه های دستیابی به «تمدن نوین اسلامی» از سوی آیت الله خامنه ای دام‌الله صورت‌بندی شده که شامل فرآیند پنج مرحله ای: «انقلاب اسلامی»، «نظام اسلامی»، «دولت اسلامی»، «جامعه اسلامی» و «تمدن نوین اسلامی» است.

۷- در نظام فکری رهبری توجه به «هویت اسلامی» (و در سطح ناظر به ایران هویت اسلامی ایرانی) عنصری اصلی و مهم بوده و از همین رو تلاش برای ترسیم و شکل دهی به الگوهای بومی و مرزبندی با الگوهای غربی و شرقی در زمینه مسائل گوناگون فکری، سیاسی، فرهنگی و سبک زندگی و... حرکتی مستمر و فوق العاده دارای اهمیت است.

۸- سه عنصر «عقلانیت»، «معنویت» و «عدالت» که رهبری در تبیین مکتب امام خمینی ^{قدس سره} بر آن تأکید دارند را می توان به عنوان اضلاع اصلی نظام فکری ایشان نیز در نظر گرفت.

۹- شناخت دشمن استعمارگر و مستکبر و مقابله با طرح و برنامه های دشمنان نیز یکی از جنبه های مهم در نظام فکری رهبری است که همواره



با تأکید بر مفاهیمی چون: دشمن شناسی، استکبارستیزی و... نمود داشته و دارد.

۱۰- نظام فکری رهبری مجموعه ای منسجم است که مطالعه و فهم آن قدرت تشخیص موضوعات و مسائل اصلی و اساسی کشور را در اختیار گذاشته و راهکار غلبه بر مسائل و مشکلات را نیز دربر دارد.

چرا باید نظام فکری رهبری را بشناسیم؟

اما پس از طرح بحث اجمالی درباره چیستی نظام فکری رهبر انقلاب می توان به طرح این پرسش پرداخت که اساساً مطالعه و فهم نظام فکری آیت الله خامنه ای چه «ضرورتی» دارد؟ پاسخ به این سؤال نیازمند توجه به نکاتی است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می کنم:

۱- شأن هدایت گری و ضرورت دستیابی به حجیت در امور:

بر اساس مبانی اسلامی و شیعی مسئله ولایت فقیه صرفاً مسئله ای سیاسی نیست. ولی فقیه و رهبر جامعه اسلامی نسبت به آحاد مردم شأن هدایت گری دارد. از سوی دیگر وظایف یک مؤمن مسلمان در زمانه حاکمیت غیر اسلامی تفاوت هایی داشته و از جنبه های مختلف وظایفی مهم تر و حساس تر بر عهده آحاد مردم و به خصوص نخبگان، نیروهای انقلابی و مسؤولان نظام است. مشخصاً «مسلمان متعبد انقلابی» برای انجام امور گوناگون نمی تواند بی اعتنا به نظرات و مطالبات رهبری حرکت کرده و براساس اجتهاد شخصی خود عمل کند.

«درک اولویت ها»، «شناخت وظایف» و «عمل به هنگام و درست» در جهت خواسته ولی فقیه به عنوان نائب امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و در مسیر تحقق



آرمان های انقلاب و نظام اسلامی امری مهم و خطیر است که بدون شناخت اندیشه و نظام فکری رهبری به شکل صحیح و حداکثری ممکن نخواهد بود.

چنانچه ما از سرعمل به وظایف به نظام فکری رهبری مراجعه کرده و سعی کنیم به مجموعه آراء و نظرات ایشان به شکلی صحیح دست یابیم از منظر دینی می توانیم تکلیف دینی و انقلابی خود را شناخته، به آن عمل کنیم و **إن شاء الله** در محضر خدواند حجت داشته باشیم.

۲- رجوع به بنیانی مرصوص:

منظومه فکری آیت الله خامنه ای ^{دام‌ظله} در زمانه ما به مثابه «بنیانی مرصوص» است. رهبر انقلاب، اسلام شناسی برآمده از مکتب اصیل تشیع علوی است که بیش از نیم قرن مبارزات فرهنگی و سیاسی با هدف حاکمیت دین و جامعه سازی اسلامی را در کارنامه دارد. آیت الله خامنه ای ^{دام‌ظله} همواره و از سالیان دور دو مقوله «نظر و عمل» را به هم آمیخته و ناظر به رسالت دینی-انقلابی خود دنبال کرده اند. مبارزه و مجاهدت برای ایشان همواره در دو بال «فکر و عقیده» از سویی و «اقدام و عمل» از سوی دیگر معنا داشته و تبلور یافته است. در واقع آنچه که از آن تحت عنوان منظومه فکری رهبری یاد می کنیم حاصل انباشت این تلاش های علمی، فرهنگی و سیاسی در طول سالیان متمادی است.

از سوی دیگر عنصر «تجربه» و نظام مند کردن تجربیات کلان مبارزات و زمامداری اسلامی در یکی از حساس ترین نقاط عطف و پیچ های تاریخی معاصر مقوله مهم دیری است که در این مجموعه فکری وجود دارد. نباید فراموش کرد که آیت الله خامنه ای ^{دام‌ظله} به جزء برخورداری از معارف اصیل اسلامی و فقهی در عالی ترین سطح، تجربیات مهم فرهنگی و اجتماعی و



حکومتی را در سطوح مختلف کسب کرده اند. از حضور در سنگر امام جماعت و تفسیر قرآن و کلاس درس حوزه تا ارتباطات و مراودات گوناگون فرهنگی و علمی و اجتماعی و از حضور در سنگر مبارزات سیاسی با رژیم پهلوی طی سالیان متمادی تا فعالیت ها و مجاهدت های نظامی و دفاعی و مسؤولیت های مختلف حکومتی چون امامت جمعه، نمایندگی مجلس، ریاست جمهوری و نهایتاً رهبری نظام اسلامی در کارنامه ایشان ثبت و جمع شده است. حاصل و خروجی این مجموعه تجربیات، امروز در نظام فکری ایشان جمع شده است.

۳- ضرورتی برآمده از شرایط تاریخی:

ایران طی سده های متمادی مانند سایر نقاط جهان اسلام دچار انحطاط و عقب ماندگی ای عظیم شد. عقب ماندگی در زمینه هایی چون تحولات فکری و فرهنگی، علم و فناوری، صنعت، اقتصاد، سیاست داخلی، سبک زندگی و... نمودی تام و تمام یافته بود.

از سوی دیگر «استبداد» و «استعمار» به مثابه دوله یک قیچی علیه «هویت و منافع ملی» ما عمل کرده و روز به روز این انحطاط و عقب ماندگی تشدید می شد. آنچه که در ایران امروز با آن روبه رو هستیم حاصل فراز و نشیب های گوناگون و تحولاتی تاریخی است.

شکل گیری انقلاب اسلامی در پی نهضت هایی چون نهضت تنباکو، انقلاب مشروطه، جریان ملی شدن صنعت نفت و قیام ۱۵ خرداد بوده است. در چنین شرایطی و در پس تلاش و مجاهدت های علما و دلسوزان ملت و شکل گیری یک آگاهی عمومی، نهضت امام خمینی ^{قدس سره} با رهبری فقیهی شجاع و دوراندیش مردم به صحنه آمده و تحولی تاریخی به عنوان «انقلاب کبیر



اسلامی» شکل گرفت. این انقلاب همانگونه که در مرحله نهضت و مبارزه برای از بین بردن رژیم دیکتاتوری پهلوی متکی به عنصر رهبری و هدایت امام خمینی^{قدس سره} بود در مرحله شکل دهی به نظام اسلامی و عبور از صحنه های دشواری چون دفاع مقدس نیز متکی بر این عامل بوده است. اکنون در شرایطی که مبارزه با دشمنان زیاده خواه و تکمیل حرکت کلان انقلاب اسلامی وارد مرحله حساس تر «نظام سازی» و شکل دهی به «دولت اسلامی» شده درک نظام فکری و مدیریت کلان ولی فقیه به عنوان رهبر این حرکت اهمیتی مضاعف می یابد. از جنبه ای دیگر و از حیث توجه به دستاورد و نتیجه نیز فهم صحیح نظام فکری رهبری ما را در دستیابی به موفقیت و پیروزی یاری می رساند چرا که این مجموعه حاصل مبانی متقن دینی، برآمده از ایمان اصیل دینی و متکی بر تجربیاتی روشن است. نظام سازی اسلامی و ارائه الگویی اسلامی از حاکمیت و زمامداری که ضمن پاسخگویی به مسائل و نیازهای بشر امروز ضامن شکل گیری جامعه ای اسلامی و پیشرفت مادی و معنوی در عرصه های مختلف باشد، مسئله ای فوق العاده مهم و تعیین کننده است. امروز اسلام و کفر در مصادف تاریخی رو در روی یکدیگر قرار گرفته اند و جنگ مدل ها و الگوهای حکومت داری و مدیریت کلان جوامع بشری به مراحل تعیین کننده رسیده است.

امروز انقلاب اسلامی در مسیر تکاملی خود باید بتواند در حوزه های گوناگون اقتصاد، علم و فناوری، سبک زندگی و... الگویی کارآمد را تولید کرده و عملیاتی کند. موفقیتی در این نبرد حساس تاریخی بودن رجوع به نظام فکری رهبر این حرکت اساساً منتفی است.



قدم اول

پس از اشاره به چیستی و چرایی طبیعتاً باید اشاره ای هرچند گذرا به «چگونگی» نیز داشت. در این میان پیش از هر چیز باید به این نکته توجه کرد که اصل دغدغه مندی و جستوگری در این زمینه مهم ترین مسئله است. نخستین قدم «تشنگی» و درک این ضرورت و «اضطراب» است. «مؤمن متعبد انقلابی» پیش از هر چیز باید در موقف درک این ضرورت بیندیشد و سپس برای رسیده به هدف دست به اقدام و عمل مناسب بزند. اگر چنانچه فرد یا جمعی به این ضرورت رسید که عبور از چالش های پیش رو و عمل به وظایف در جهت نیل به اهداف امکان پذیر نیست آنگاه باید برای مطالعه در این زمینه و فهم و ابعاد موضوع برنامه ای مشخص را پیگیری کند.

از باب چگونگی آشنایی با منظومه فکری رهبری می توان راهکارها و پیشنهادات گوناگونی را مطرح ساخت که بحث مستقل دیگری را می طلبد ولی آنچه که به عنوان «قدم اول» باید بر آن تأکید کرد و اهتمام ورزید «مطالعه مستمر، دقیق و مدبرانه بیانات رهبری» است. مهمترین مجرای درک نظام فکری آیت الله خامنه دام‌ظله ای بیانات ایشان است. هرکسی می خواهد آیت الله خامنه ای دام‌ظله و نظام فکری ایشان را بشناسد لاجرم باید بیانات رهبری را به صورت کامل، دقیق، مستمر و با تدبر مطالعه کند. این «گام اول» و «شرط لازم» است و برای تکامل یافتن و پیشرفت در این راه نیازمند گام ها و اقدامات بعدی نیز خواهیم بود:

(مهران کریمی)



گفتار سوم : روشی ساده برای بیانات پژوهی و مطالبه آن

یکی از دغدغه‌های صحیح افراد مخصوصاً دانشجویان در مواجهه با بیانات رهبر معظم انقلاب، شیوهی استفاده از این بیانات و تفهیم آن در راستای تعمیق گفتمان رهبری یا جریان‌سازی در سطح توده‌های مردمی است. عدم مواجهه‌ی صحیح با بیانات رهبر انقلاب همواره به‌عنوان یک آسیب در میان مجموعه‌های فرهنگی انقلابی، خاصه مجامع دانشجویی، مطرح بوده است. به‌گونه‌ای که غالب محصولات رسانه‌ای یا محتوای قابل ارائه‌ی چنین مجامعی، بازنشر بی‌قید و حاشیه‌ی بیانات رهبری است یا نهایتاً با ارزش افزوده‌ی گرافیکی، تصویری و... دیده می‌شود. واگویی صرف بیانات رهبری در هر سخنرانی، بدون پیگیری و استمرار، خود به عاملی فزاینده در مهجور ماندن منویات رهبری تبدیل شده است؛ به‌گونه‌ای که رهبر انقلاب، خود از اینکه جوانان به‌عنوان یکی از مخاطبین اصلی بیانات ایشان گاهی به آن بی‌توجهی می‌کنند، ابراز شکایت می‌نمایند^۵ : در این سخنرانی‌های ما هم گاهی حرف‌های خوبی در گوشه و کنار هست، منتها غالباً دقت نمی‌شود و همین‌طور ناپدید می‌گردد.^۵

اگر بنا بر این باشد که در پژوهش منویات رهبر انقلاب، پا را از تکرار فرمایش‌ها فراتر بگذاریم و نیز از برخورد نظری به رویکردی عمل‌گرایانه و کاربردی گذر کنیم، نیازمندیم تا با عینکی «دانش‌جویی» و «دانش‌پژوهانه» با بیانات مواجه شویم که این خود مستلزم طی گام‌هایی است که در ذیل خواهیم کوشید تا مدلی کاربردی از این مواجهه ارائه نماییم. پیش از هر چیز

^۵ بیانات در دیدار جمعی از جوانان، ۷ اردیبهشت ۱۳۷۷.



اساساً باید توجه داشت که بیانات رهبری به‌مثابه‌ی یک «مجموعه متن»، همانند سایر مجموعه متون در دسترس، از دو منظر قابل مراجعه است:

رویکرد ترتیبی و زمانی

هدف از این رویکرد، پیگیری منویات رهبر انقلاب در شرایط زمانی روز است. مخاطبین عام و آحاد مردم عموماً در فهم بیانات رهبری چنین رویکردی دارند. عنصر «زمان» در چنین رویکردی واجد اهمیت زیاد است و به‌تبع آن، بیاناتی که حسب شرایط روز بیان می‌شوند، مورد رجوع بیشتری قرار می‌گیرند. به‌تبع ضریب اهمیت این سنخ از بیانات برای عموم، در رسانه‌های عمومی نیز چنین برش‌هایی از بیانات بیشتر مورد تأکید قرار می‌گیرند. حال آنکه ممکن است در بیانات رهبر انقلاب مباحث عمیق‌تری وجود داشته باشد که عمدتاً به فراموشی سپرده می‌شود. این رویکرد هرچند به‌منظور جریان‌سازی و مطالبه‌گری در جامعه می‌تواند مفید باشد، اما عدم توجه به محتوای سایر قسمت‌های بیانات رهبری، خطر غفلت از مبانی اندیشه‌ی رهبر انقلاب را در پی دارد.

رویکرد موضوعی

در این رویکرد که مستلزم تفقه و تدبر در بیانات رهبر انقلاب و پرهیز از مواجهه‌ی سطحی و گزینشی با بیانات ایشان است، باید به‌صورت ویژه مورد استفاده‌ی «دانشجویان»، [طلاب و سایر علاقه‌مندان] واقع شود. این رویکرد که در بسیاری از متون دینی از جمله آیات و روایات نیز به کار رفته است، منظومه‌ی فکری و هندسه‌ی آرای رهبر انقلاب را در موضوعی خاص مورد تحقیق قرار می‌دهد. برای مثال، موضوع «هنر انقلاب» به‌عنوان یک موضوع



مورد پژوهش، انتخاب می‌شود و سیر بیانات رهبر انقلاب درخصوص آن در طول سالیان مختلف احصا می‌گردد. طبعاً در این مدل پژوهش، موضوعات مرتبط با شعر انقلاب، سینمای انقلابی، موسیقی انقلاب، بزرگان هنر انقلاب و نظایر این‌ها، در همهی موقعیت‌ها (و به‌طور خاص در بیانات و پیام‌ها با گروه‌های مرتبط با هنر و رسانه) باید بررسی شوند.

مدل مواجهه با بیانات رهبر انقلاب

با توجه به اینکه مجموعه بیانات رهبر انقلاب تعیین‌کننده‌ی مسیر حرکت انقلاب اسلامی و ترسیم‌کننده‌ی جهت‌گیری مطلوب و لازم اجتماع در برهه‌های مختلف زمانی است، لذا بهره‌برداری از این بیانات نیز باید «نظام‌مند» و «هدفمند» باشد. از قضا رهبر انقلاب مشابه همین دغدغه را نسبت به بیانات امام راحل رحمه‌الله دارند و مواجهه با بیانات امام را به‌عهده‌ی دانشجویان و تشکل‌های دانشجویی می‌گذارند:

نظرات امام یک مجموعه است و خوشبختانه ثبت شده است و همین است که هست. مثل همهی متونی که از آن‌ها می‌شود تفکر گوینده را استنباط کرد، منتها با شیوه‌ی درست استنباط. شیوه‌ی درست استنباط این است که همهی حرف‌ها را ببینند، آن‌ها را در کنار هم قرار بدهند. توی آن‌ها عام هست، خاص هست، مطلق هست، مقید هست. حرف‌ها را باید با همدیگر سنجید، تطبیق کرد. مجموع این حرف‌ها، نظر امام است. البته کار خیلی ساده‌ای نیست، اما روشن است که باید چه‌کار کنیم. یک کار اجتهادی است. اجتهادی است که از عهده‌ی شما جوان‌ها برمی‌آید. بنشینند واقعاً گروه‌های



کاری در زمینه‌های مختلف، نظر امام را استنباط کنند، از گفته‌های امام به دست بیاورند.^۶»

طبعاً مشابه همین شیوه‌ی مواجهه با بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دام‌ظله به‌عنوان راهبر و تبیین‌کننده‌ی رؤس و وظایف بخش‌های مختلف، درحال حاضر برای حراست انقلاب، مطلوب است. برای بهره‌گیری هدفمند و کاربردی دانشجویان و نهادهای تبیین‌کننده‌ی آرا و نظرات مقام معظم رهبری، مدل زیر که برگرفته از مبانی و اصول پژوهش کاربردی و تلفیقی از دو رویکرد ترتیبی و موضوعی است، پیشنهاد می‌شود:

مطالعه‌ی اصل بیانات

اولین گام در فهم روشمند بیانات رهبر انقلاب، مطالعه‌ی اصل بیانات ایشان است. متأسفانه غالباً در مراجعه به بیانات رهبری، به تیتراهای کوتاه و اخبار دیدارها بسنده می‌شود؛ حال آنکه در گزینش روزنامه‌ای و رسانه‌ای پیام‌های رهبری، همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، بسیاری از منویات راهگشا و تبیینی ایشان که نشان‌دهنده‌ی ابعاد و هندسه‌ی فکری رهبری است، پوشش داده نمی‌شود. یکی از توصیه‌های جدی رهبر انقلاب به دانشجویان نیز که در دیدارهای ایشان با این قشر بارها تکرار شده، همین مسئله است: «عزیزان من، سقف معرفت خودتان را سایت‌های سیاسی و اوراق روزنامه‌ها و پرسه زدن در سایت‌های گوناگون قرار ندهید. سقف معرفت شما این‌ها نیست».^۷

^۶ دیدار دانشجویان و فعالین تشکلهای دانشجویی با رهبر انقلاب، ۷ مهر ۱۳۸۷.

^۷ بیانات رهبری در دیدار دانشجویان، ۱۶ مرداد ۱۳۹۱.



پرهیز از رجوع به منابع غیرمعتبر

نکته‌ی مهم دیگر در این زمینه، پرهیز از رجوع به منابع غیرمعتبر بیانات رهبری است. آسیب دیگری که در برخورد با بیانات رهبری، امام و بسیاری از بزرگان دیگر شایع است، تعمیم و گسترش اقوال غیررسمی و غیرمستند مواضع یا بیانات ایشان است که خصوصاً در موضع‌گیری افراد و پیروان ایشان تأثیرگذار است.

بهترین راه دسترسی به بیانات رهبری، بخش بیانات پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار ایشان است و رهبر انقلاب خودشان نیز از دانشجویان خواسته‌اند تا بیانات مندرج در سخنرانی‌های ایشان را به‌عنوان تنها متون ثقه مورد مطالعه قرار دهند: «من آنچه که در سخنرانی‌ها بیان می‌کنم، لبّ نظراتم است. اساسی‌ترین نظراتم همان‌هایی است که شما در سخنرانی‌ها از من می‌شنوید. هیچ نظری درباره‌ی مسائل جاری کشور و مسائل اسلام و مسلمین و مسائل اجتماعی وجود ندارد که من آن را درگوشی به کسی بگویم و نشود آن را در علن گفت.»^۸

تحلیل محتوا

با مطالعه‌ی بیانات رهبری و اشراف کلی نسبت به یک سخنرانی، اکنون با عینک «پژوهشگرانه» می‌توان بیانات رهبری را واکاوی نمود. استفاده از شیوه‌های تحلیل محتوا و تحلیل گفتمان، از جمله کاربردی‌ترین این روش‌هاست. در این شیوه، که در زمره‌ی روش‌های پرکاربرد پژوهش محسوب می‌شود، داده‌های کلیدی متن کدگذاری می‌شوند و کلیدواژه‌ها استخراج

^۸ «بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در جلسه‌ی پرسش و پاسخ دانشگاه تهران، ۲۲ اردیبهشت ۱۳۷۷».



می‌گردند. سپس حسب بسامد کاربرد در دیدار رتبه‌بندی می‌شوند. با این کار می‌توان بیشترین تأکیدات رهبری را در هر سخنرانی استخراج کرد.

به‌این ترتیب ارزش‌گذاری دقیق‌تر و دیدی بسیط‌تر نسبت به منویات رهبری به دست می‌آید؛ چراکه ممکن است بیشترین مانورهای رسانه‌ای رایج بر قسمت‌هایی از بیانات رهبری قرار گیرد که بخش‌های اصلی و محوری سخن را تحت‌الشعاع قرار می‌دهند. با این کار می‌توان تأکید اصلی رهبری را در هر دیدار یا پیام معین نمود.

سایت KHAMENEI.IR بخش‌هایی تحت‌عنوان «جستار» و «کلیدواژه» برای استفاده‌ی دانشجویان و دانش‌پژوهان تعبیه نموده است که تا حدودی امکان تحلیل محتوای بیانات رهبری را ساده می‌کند. برای افرادی که با دقت بیشتر یا مقاصد آکادمیک و پژوهشی قصد تحقیق دارند، استفاده از روش‌های پیشرفته‌ی تحلیل محتوا و تحلیل گفتمان کیفی پیشنهاد می‌شود.^۹

مفهوم‌شناسی و زمینه‌پژوهی

مفهوم‌شناسی عبارت است از شناخت مفاهیم مورد استفاده در بیانات رهبری و پیدا کردن یک زمینه‌ی ذهنی نسبت به یک مسئله‌ی مطرح‌شده در بیانات.

به‌عنوان مثال، در مفهومی نظیر «اقتصاد مقاومتی» که در بیانات رهبری به‌عنوان یک کلیدواژه‌ی اصلی قابل مشاهده است، نیازمند آنیم که پیش از تلاش برای مطالبه‌ی منویات رهبری در این زمینه، موضوع را به‌درستی بشناسیم؛ چراکه درک عامیانه از مفاهیم و موضوعات ممکن است به راهکارهای عملیاتی غلطی نیز منجر گردد. کمالینکه نتیجه‌ی یک پژوهش

^۹ ۵. ر. ک. به: ساده، مهدی، روش‌های تحقیق با تأکید بر جنبه‌های کاربردی، تهران: بی‌نا، ۱۳۷۵.



میدانی نشان می‌دهد درک عمومی از واژه‌ی اقتصاد مقاومتی هنوز تا حدود زیادی برای عموم، معادل «ریاضت اقتصادی» است و لذا مقاومت نسبت به پذیرش این مفهوم وجود دارد.

برای شناخت مفاهیم، بهتر است پیش از مراجعه به سایر منابع، از تفسیر متن به متن بیانات (استفاده از سایر بیانات رهبری برای تبیین دیگر بیانات) استفاده شود؛ چراکه معمولاً رهبر انقلاب پیش از ارائه‌ی موضوعات و مفاهیم مرتبط با نیازهای جامعه، طی دوره‌هایی بدو تا حدودی به چپستی این مفاهیم می‌پردازند و ابعاد و حدود و ثغور تعریف آن را مشخص می‌نمایند. در رویکرد دانش‌پژوهانه نسبت به این بیانات، می‌توان علاوه بر اصل کلیدواژه، واژه‌های مرتبط (دارای رابطه‌ی مترادف، شمول یا تضاد) را نیز بررسی نمود تا نگرش جامع‌تری نسبت به کلیدواژگان به دست دهد.

همچنین پیشنهاد می‌شود پس از تبیین مفاهیم مورد مطالبه‌ی رهبر انقلاب در سایر سخنان ایشان، در صورت لزوم به بررسی این مفهوم یا مفاهیم متناظر در متون و منابع دینی، گفتمان انقلاب اسلامی، قول بزرگان یا تحلیل و تبیین‌های پژوهشگران از بیانات رهبری پرداخته شود.

با مطالعه‌ی بیانات رهبری و اشراف کلی نسبت به یک سخنرانی، اکنون با عینک «پژوهشگرانه» می‌توان بیانات رهبری را واکاوی نمود. استفاده از شیوه‌های تحلیل محتوا و تحلیل گفتمان، از جمله کاربردی‌ترین این روش‌هاست. در این شیوه، که در زمره‌ی روش‌های پرکاربرد پژوهش محسوب می‌شود، داده‌های کلیدی متن کدگذاری می‌شوند و کلیدواژه‌ها استخراج می‌گردند.



همچنین در زمینه‌یابی بیانات رهبر انقلاب، باید متن ۶ سخنان ایشان را در زمینه‌ی ۷ زمان و مکانی تحلیل و بررسی کرد که این بیانات در آن ظرف زمانی و مکانی ایراد شده‌اند. به عنوان مثال، ابراز موضع نسبت به عملکرد یک کشور در موقعیت دیدار با جمعی از فرماندهان نظامی حتماً معنی متفاوتی نسبت به ابراز همین بیانات در یک دیدار عمومی دارد. یا توجه به زمینه‌ی طرح بحث «شبیخون فرهنگی» یا «نفوذ» در یک بازه‌ی زمانی خاص از تاریخ، می‌تواند در درک بهتر از ابعاد این مسئله راهگشا باشد.

این گام از پژوهش برای دانشجویانی که می‌خواهند به تولید منطق حاکم بر بیانات رهبر انقلاب در جمع‌های دانشجویی و غیر آن بپردازند، بسیار کلیدی است؛ چراکه جایگاه رهبر انقلاب این اقتضا را ندارد که الزاماً برای بیان یک گزاره، منطق حاکم بر آن را نیز بیان کنند، بلکه این وظیفه‌ی دانشجویان است که تعاریف، علل و زمینه‌های آن را بررسی کنند و در گام‌های بعدی، برای تحقق آن تلاش کنند.

اتفاقاً رهبر انقلاب نیز در پاسخ به دانشجویی که خواستار تبیین مفهوم برخی از کلیدواژگان به کاررفته توسط رهبری شده بود، چنین پاسخ دادند: «شما جوانانی که گفتیم افسران جوان مقابله‌ی با جنگ نرم هستید، از من نپرسید که نقش ما دانشجویان در تخریب مسجد ضرار کنونی چیست. خوب، خودتان بگردید نقش را پیدا کنید».^{۱۰}

^{۱۰} بیانات رهبری در دیدار با دانشجویان و اعضای تشکلهای دانشجویی، ۴ شهریور ۱۳۸۸.



دسته‌بندی مطالب

پس از آنکه مهم‌ترین مسائل مطرح‌شده در هر دیدار یا پیام رهبر انقلاب استخراج شد، می‌توان موضوعات مختلف را دسته‌بندی و محوربندی کرد.

سایت KHAMENEI.IR در بخش نقشه‌ی راه، محورهای اصلی موضوعی هریک از بیانات را استخراج کرده است، اما با توجه به محل استفاده از این بیانات، می‌توان دسته‌بندی‌های فراگیر و متنوعی ارائه نمود. به‌عنوان مثال، در مطالبات دانشجویی امکان تفکیک بیانات رهبری به مباحث عملیاتی (جریان‌ساز) و مباحث بینشی (نگرش‌ساز) وجود دارد که در دسته‌ی اول، آن بخش از مباحث رهبر انقلاب مدنظر قرار می‌گیرد که مستقیماً به لزوم اجرای اقدامی ساختاری یا مردمی در کشور اشاره دارد و در دسته‌ی دوم، مباحث ریشه‌ای‌تر که سازنده‌ی نظام فکری و بیانگر مبانی نظام و قرائت رهبر انقلاب از دین، جامعه، سیاست و... است، مدنظر قرار می‌گیرد.

مطالبه‌گری

واپسین گام و البته مهم‌ترین گام در مواجهه‌ی دانشجویی با بیانات رهبر انقلاب، مطالبه‌گری است. به‌منظور مطالبه‌ی منویات رهبری، پیش از هرچیز بایستی مراجع و مصادیق مطالبات معین گردند. برخی مطالبات رهبری به مطالبات اجتماعی ایشان بازمی‌گردد که مخاطب آن توده‌ها، گروه‌های مختلف مردمی یا فعالان عرصه‌های مختلف (فعالان دانشجویی، نخبگان علمی و فعالان اقتصادی، فرهنگی و...) هستند.

البته در یافتن رئوس مطالبات رهبری، نکته‌ی بسیار حائز اهمیت، تخصصی کردن مطالبات در راستای توانمندی یا نیازهای تخصصی است. به این معنا



که شیوهی رایج مطالبه‌گری بیانات رهبری که صرفاً با نقل عین منویات رهبری همراه است، کم‌اثرترین شیوهی مطالبه‌گری است. حال آنکه می‌توان با یافتن راهکارهای عینی تحقق بیانات رهبری، به این بخش از مطالبات جامه‌ی عمل پوشاند. اشتباه مذکور توسط بسیاری از نهادهای دولتی و غیردولتی تکرار می‌شود. به این ترتیب که صرفاً انعکاس مواضع و بیانات رهبری در جزوات و بروشورهایی در ادارات گوناگون و نهادهای تابعه در دستورکار قرار می‌گیرد، بی‌آنکه راه‌های تحقق این مطالبات در بخش‌های مرتبط با این نهادها بررسی و تبدیل آن‌ها به عملیات معین در دستورکار قرار گیرد. درحالی‌که به عنوان مثال، وزارت جهاد کشاورزی و ادارات تابعه موظف به یافتن راهکاری تحقق مطالبات مرتبط با حوزه‌ی اقتصاد مقاومتی هستند و نه صرفاً بازخوانی کلیات و اصول اقتصاد مقاومتی مطروحه در سخنرانی‌های ایشان و چسباندن آن به دیوار.

رهبر انقلاب خود از این شیوهی برخورد سطحی با بیاناتشان، از جمله اقتصاد مقاومتی و غیر آن، بارها ابراز گلایه کرده‌اند: «از وقتی که این عنوان مطرح شده، شاید هزار مرتبه از طرف مسئولین (با کم و زیادش) تأیید شده. مسئولین مختلف، فعالان اقتصادی، حتی فعالان سیاسی، مسئولین دولتی، مجلس، غیره، مکرر گفته‌اند اقتصاد مقاومتی، اقتصاد مقاومتی. خوب، خوب است، لکن با اسم و با تکرار زبانی هیچ اتفاقی نمی‌افتد، هیچ اتفاقی نمی‌افتد. با بردن اسم دارو و تکرار اسم دارو هیچ بیماری خوب نمی‌شود. دارو را باید مصرف کرد»^{۱۱}.

^{۱۱} بیانات در دیدار اعضای ستاد بزرگداشت روز ملی مهندسی ۱۳۹۳/۱۱/۰۶



در یافتن رؤوس مطالبات رهبری، نکته‌ی بسیار حائز اهمیت، تخصصی کردن مطالبات در راستای توانمندی یا نیازهای تخصصی است. به این معنا که شیوه‌ی رایج مطالبه‌گری بیانات رهبری که صرفاً با نقل عین منویات رهبری همراه است، کم‌اثرترین شیوه‌ی مطالبه‌گری است. حال آنکه می‌توان با یافتن راهکارهای عینی تحقق بیانات رهبری، به این بخش از مطالبات جامه‌ی عمل پوشاند.

این دقیقاً همان مسئله‌ای است که دانشجویان و مجموعه‌های دانشجویی باید از آن احتراز کنند و خود را به‌مثابه‌ی تصمیم‌سازی برای تحقق این مطالبات بدانند. از قضا این مطالبه‌گری بخشی و تخصصی‌شده برحسب دایره‌ی تأثیرگذاری و محل فعالیت یا رشته‌ی تحصیل و... یکی از مطالبات جدی رهبری از دانشجویان است. به‌عبارتی این دقیقاً همان نقشی است که رهبری به‌عنوان «افسران جوان جنگ نرم» برای دانشجویان متصورند: «شما افسران جوان جبهه‌ی مقابله با جنگ نرمید. اینکه چه کار باید بکنید، چه‌جوری باید عمل کنید، چه‌جوری باید تبیین کنید، این‌ها چیزهایی نیست که من بیایم فهرست کنم. بگویم آقا این عمل را انجام بدهید، این عمل را انجام ندهید. این‌ها کارهایی است که خود شماها باید در مجامع اصلی فکری‌تان، در اتاق‌های فکری‌تان بنشینید، راهکارها را پیدا کنید.»^{۱۲}

آخرین نکته درخصوص شیوه‌ی مطالبه‌گری که مورد پرسش بسیاری از

^{۱۲} بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان، ۴ شهریور ۱۳۸۸.



دانشجویان نیز هست، مصداقیابی در تبیین و مطالبه‌ی بیانات رهبری است. همان‌طور که گفته شد، قرار نیست دانشجویان و مجموعه‌های دانشجویی، بیانات رهبری را صرفاً بازنشر و تکرار کنند. در راستای تبیین بیانات، بایستی مصادیق عمل یا عدم عمل به این منویات، مطالبه شوند. به‌عنوان مثال، به‌جای تأکید صرف دانشجویان بر توقع رهبری درخصوص «حمایت از کالای داخل»، عدم عمل به این توصیه توسط دانشگاه و تجهیزات مورد استفاده‌ی در آن باید مدنظر قرار بگیرد. یا حتی در سطح بالاتر، وقتی سخن از تحریف امام رجمه‌الله‌علیه می‌رود، می‌توان مصادیق تحریف اندیشه‌ی امام و ابعاد آن را برای عموم تشریح کرد.

دست‌آخر اینکه اگر دانشجویان دغدغه‌مند، که خود را موظف به پیگیری و تحقق منویات رهبر معظم انقلاب می‌دانند، با یک رویکرد عالمانه و دانش‌پژوهانه با این بیانات مواجه شوند، می‌توان به پیشبرد منویات رهبر انقلاب، چه در سطح دانشگاه و چه در فضای عمومی جامعه و بین نهادهای مسئول (با تکیه بر روحیه‌ی مطالبه‌گری عالمانه‌ی دانشجویان) امیدوار بود.

آقای محمدحسن صادق‌پور

به نظر می‌رسد تا کنون گفت و گوهایی از این جنس کمتر در محافل علمی ما شکل گرفته است و در مواجهه با موضوع بازشناسی اندیشه آیت الله خامنه‌ای، نوعاً برخوردی سطحی و گرفتار افراط و تفریط با این موضوع صورت می‌گیرد. از سویی با جمعی مواجه هستیم که در مواجهه با اندیشه ولی فقیه برخوردی سیاسی و فرمایشی داشته و خارج از دایره تنگ حقوقی و قانونی-آن هم تا جایی که مجبور باشند- هیچ گونه تحفظی بر نظریات ولی فقیه

مواجهیم که با برخوردی اخبار وسطی و غیر مجموعه نگر با اندیشه ولی فقیه اگر بیشتر از گروه نسبت به انسجام اجتماعی حو محور ولی فقیه لطمه نند کمتر از آنان نبی برای جامعه ویی آسی

مدرسه علمیه مقدمه قرآنی امام خمینی «ره» بوشهر